

جزئیات شناسایی هویت قربانیان هواپیمای اوکراینی

اخبار | **گروه حوادث/** معاون پزشکی و آزمایشگاهی سازمان پزشکی قانونی کشور جزئیاتی از فرآیند شناسایی و تشخیص هویت قربانیان هواپیمای اوکراینی را تشریح

کرد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، دکتر مسعود قادی پاشا درباره فرآیند شناسایی و تشخیص هویت ۱۷۶ قربانی سقوط هواپیمای اوکراینی گفت: بعد از سقوط این هواپیما کارشناسان پزشکی قانونی استان تهران به حالت آماده‌باش درآمدند و چند گروه از آنان به محل سقوط هواپیما نیز اعزام شدند، ساعاتی بعد از حادثه بود که پیکر جانباختگان به مرکز آزمایشگاهی پزشکی قانونی استان تهران منتقل شد و همزمان دو کار از سوی عوامل پزشکی قانونی آغاز شد، یکی تطبیق نمونه‌ها و اجزای اجساد و دیگری تشخیص هویت قربانیان.

وی با اشاره به فراخوان خانواده قربانیان این سانحه خاطرنشان کرد: برای شناسایی و تشخیص هویت از خانواده قربانیان دعوت و اقدام به اخذ نمونه ژنتیک از آنان شد، همچنین خانواده تعدادی دیگر از قربانیان نیز در خارج از کشور بودند که با همکاری سفارتخانه‌ها نمونه‌های ژنتیک از آنان نیز اخذ شده و به‌کشور ارسال شد و ما توانستیم در عرض کمتر از یک هفته هویت تمامی اجساد را شناسایی کرده و آنان را به خانواده‌هایشان تحویل دهیم.

قادی پاشا درباره نحوه همکاری کشورهای خارجی در ارسال نمونه ژنتیک نیز گفت: این کشورها و همین‌طور سفارتخانه با هماهنگی وزارت امورخارجه همکاری خوبی با ما داشتند و مشکلی در این خصوص نداشتیم. با توجه به شدت آسیب‌ها و انجام معاینات متعدد ظاهری و ژنتیکی روی اجساد که تماماً از سوی کارشناسان و متخصصان پزشکی قانونی استان تهران انجام شده، شناسایی و تشخیص هویت در عرض یک هفته و از هم‌پسودن کمترین خطا و اشتباه یک رکورد محسوب می‌شود، ضمن اینکه بسیاری از اجساد تا دو سه‌روز بعد از حادثه شناسایی شدند.

وی در مورد اینکه آیا امکان تشخیص هویت از طریق همسر وجود دارد یا خیر گفت: چنین امکانی وجود ندارد، چرا که ژن زن و شوهر با هم متفاوت است، اما اگر فرزندی داشته باشند از این طریق می‌توان نسب به شناسایی اقدام کرد. عمده نمونه‌های ما از والدین، خواهر و برادر اخذ شد. قادی‌پاشا استانداردهای اجرا شده در فرآیند تشخیص هویت جانباختگان هواپیمای اوکراینی را یکی از بالاترین روش‌ها برشمرد و گفت: اقدام سازمان پزشکی قانونی و روشی که به کار گرفت حتی بالاتر از بسیاری از کشورهای اروپایی بود.

راننده مظنون حین فرار با شلیک پلیس کشته شد

گروه حوادث/ راننده خودرو مظنون در حال فرار به‌علت بی‌توجهی به‌دستور ایست و تیراندازی هوایی پلیس با شلیک گلوله کشته شد. سرهنگ جهان‌بخش معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان بوشهر گفت: ساعت ۲ بامداد روز جمعه مأموران انتظامی پاسگاه روستای نظرآقا از توابع شهرستان دشتستان هنگام گشتزنی در سطح حوزه استحفاظی به یک دستگاه خودرو سواری پراید فاقد پلاک مظنون شدند که سرنشینان آن به محض رؤیت عوامل انتظامی اقدام به فرار کردند. مأموران پلیس بلافاصله به تعقیب این خودرو پرداختند که سرنشینان آن با بی‌اعتنایی به‌دستور ایست پلیس و به قصد فرار از دست مأموران به‌مسیر خود ادامه دادند. پس‌ازآن مأموران پلیس با رعایت اصول تیراندازی ابتدا اقدام به شلیک هوایی کردند که راننده خودرو به دستور پلیس توجهی نکرد و به مسیر خود ادامه داد و مأموران با تیراندازی به سمت لاستیک خودرو قصد داشتند آن را متوقف کنند اما تیرها با برخورد به بدنه خودرو به راننده و سرنشین آن خورد و راننده بر اثر شدت جراحت در صحنه حادثه فوت کرد و سرنشین آن توسط عوامل امدادی برای مداوا به یکی از مراکز درمانی منتقل شد. معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان بوشهر با تسلیت به خانواده فرد جان باخته دراین حادثه تأکید کرد: این موضوع توسط پلیس دردت بررسی است.

دعوی خانوادگی در مراسم عروسی با ۵ مصدوم

گروه حوادث/ در پی درگیری در یک مراسم عروسی میان خانواده‌های عروس و داماد در گوند خوزستان ۵ نفر مصدوم و راهی بیمارستان شدند. عبدالرضا احسانی نیا فرماندار گوند دراین باره گفت: دراین درگیری که روز گذشته رخ داد نیروی انتظامی برای متفرق کردن افراد اقدام به تیراندازی هوایی کرد و عوامل درگیری دستگیر و بازداشت شدند. وی در ادامه افزود: این افراد با چوب و سنگ با هم درگیر شده بودند و برای ادامه مراحل قانونی به دادگاه معرفی شدند.

■ یکشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۸
 ■ سال بیست و ششم
 ■ شماره ۲۷۲۵

مردخشمگین

جان پسر معتادش را گرفت

گروه حوادث – مرجان همایونی/ معلم بازنشسته‌ای که از رفتارهای پسر معتادش به ستوه آمده بود در اقدامی جنون آمیز او را به قتل رساند و در همان صحنه جرم به جرمش اعتراف کرد.

گزارش این قتل ساعت ۲۰:۴۰ بامداد دیروز ۱۹ بهمن ماه از طریق تماس پسر جوانی با پلیس گزارش شد و پس از آن مأموران کلانتری ۱۶۰ خزانه برای صحت گزارش اعلام شده به محل قتل اعزام شدند و با حضور در محل مشخص شد که جوانی در داخل خودرو پراید با طناب خفه شده است و در ادامه موضوع را باز پرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد.

در ادامه تحقیقات بازپرس جنایی و تیم بررسی صحنه جرم در محل

قصاص برای دانشجوی دستفروش



گروه حوادث/ جوان دستفروشی که در پی یک نزاع در سال ۹۶ فردی را به قتل رسانده بود، صبح روز گذشته در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران به قصاص محکوم شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده با پایان مرگبار یک نزاع و کشف جسد ناصر ۳۵ ساله که با ضربه چاقو به قتل رسیده بود، در محله خیرآباد شهر ری آغاز شد و مأموران در همان مراحل اولیه تحقیقات جوان ۲۳ ساله‌ای به‌نام حمید را به اتهام قتل عمد دستگیر کردند.

حمید پس از دستگیری مدعی شد که قصدش تنها دفاع از خود بوده و در تشریح آن روز عنوان کرد: من تازه وارد دانشگاه شده بودم ناچار شدم برای خرج تحصیلم به دستفروشی روی بیاورم. روز حادثه در حال فروختن اجناسم بودم که مردی ۴۰ ساله در کنار من ایستاده و بود با تلفن همراهش با صدای بلند از الفاظ رکیک استفاده می‌کرد. همان لحظه چند نفر از فروشندگان به او تذکر دادند که در این مسیر زن و بچه رد می‌شوند و قدری آهسته‌تر صحبت کند که او با فریاد اعتراض کرد و به فحاشی‌هایش ادامه داد تا اینکه من با او درگیر شدم و بعد از دقایقی با وساطت مردم دعوا خاتمه یافت. من هم دوباره به سراغ بساطم رفتم و کارم را ادامه دادم تا اینکه حدود یکساعت بعد آن مرد چند نفر را اجیر کرد تا با چاقو و قمه به سراغم بیایند و اصطلاحا ادمم کنند. وی افزود: درگیری بین ما بالا گرفت و یکی از آن چند نفر با چاقو به بازویم زد و من هم همان چاقو را از دستم درآوردم و برای فرار از بین آنها آن

دعوا کردن هم به اموال مردم حشتم داشت و هم به ناموس شان. بارها او را در خانه یا کمپ ترکش دادم اما بی‌فایده بود. تا اینکه شب حادثه آرش به همراه برادرش برای خرید قرص بیرون رفته بودند. ساعت ۱۱ شب بود که پسر دیگرم آرمین به خانه آمد و گفت بیا آرش داد و بیداد راه انداخته. من خودم را به خیابان رساندم و او را سوار ماشین کردم تا قدری با او صحبت کنم. به سمت کرج رفتم و او گفت باید به جاده چالوس برویم. به او گفتم الان دیر است و زمان دیگری به آنجا می‌رویم اما آرش دست بردار نبود. به یکباره در خودرو را باز کرد و خودش را از ماشین بیرون اندخت. با خودم گفتم او مرد. برگشتیم و به سراغش رفتم اما او سالم بود. از من خواست روی

www.iran-newspaper.com

تلفن گروه حوادث: ۰۲۱ – ۸۸۷۶۱۶۲۱



معلم بازنشسته هستم و ۳۰ سال به بچه‌های مردم درس داده ام. اگر پشیمان نبودم که می‌توانستم جسد بچه‌ام را در بیابان دفن کنم و چون کسی دل خوشی از آرش نداشت اصلا سراغش را هم نمی‌گرفت و راز این جنایت برای همیشه مخفی می‌ماند.

می‌گفت باید هزینه ۴ وعده کوکاکین او را که معادل یک و نیم میلیون تومان بود بپردازم. پشیمانی؟ من زنده نمی‌مانم. نمی‌دانم به‌خاطر این اتفاق چطور می‌توانم در چشم‌های مادرش نگاه کنم. من

سرقت

برای هزینه جراحی نامزد

گروه حوادث/ پرونده باند ۳ نفره با ۱۶ فقره سرقت از منازل شمال شرق تهران در حالی صبح دیروز به شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران رفت که یکی از متهمان پس از حکم اولیه به کشور آلمان متواری شد. به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۴ با سرقت‌های سریالی از منازل مناطق پاسداران و سیدخندان در دستور کار مأموران قرار گرفت و پس‌از مدتی اعضای باند ۳ نفره‌ای در این خصوص دستگیر شدند. پیام، برزو و وحید ۳ متهم این پرونده در همان بازجویی اولیه به ۱۶ فقره سرقت اعتراف کردند و مدتی بعد در شعبه ۸ کیفری محاکمه شدند. قاضی پس از شنیدن اظهارات متهمان حکم قطع ید برای پیام و برزو و متهم اصلی این باند را صادر کرد و وحید هم به حبس محکوم شد. این حکم با اعتراض دو متهم اول این پرونده مواجه شد و پرونده به دیوانعالی کشور رفت که در آنجا حکم پیام تأیید شد و حکم برزو نقض شد و پرونده به

شعبه ۲ دادگاه کیفری رفت. پس از نقض حکم از سوی قضات دیوانعالی کشور در خصوص برزو یکی از متهمان اصلی پرونده، او بلافاصله به کشور آلمان رفت و پرونده‌اش برای بار دوم به شعبه ۸ ارجاع شد که قضات این شعبه حکم برائت را نقض کردند. صبح روز گذشته سومین جلسه دادگاه این متهمان در حالی برگزار شد که برزو به‌عنوان یکی از متهمان اصلی پرونده حضور نداشت و وکیلش به جای او به دادگاه رفت. وکیل برزو در دفاع از موکلش به قاضی گفت: در این پرونده برزو هیچ خطایی انجام نداده و در هیچ یک از سرقت‌ها سهیم نبوده است. پیام سال‌هاست که عاشق بنفشه خواهر برزو است و بنفشه هم به‌خاطر مشکلی که در یکی از پاهایش دارد تنها با انجام عمل جراحی می‌تواند راه برود. پیام از مدت‌ها قبل و به خاطر عشقی که به بنفشه داشته دست به سرقت زده تا بتواند هزینه عمل جراحی وی را تأمین کند و در این میان هم برزو هیچ نقشی نداشته است. پس از شنیدن اظهارات وکیل برزو برای صدور رأی وارد شور شدند.



قتل عام

سرباز تایلندی در مرکز خرید

حوادث جهان | **گروه حوادث/** در پی تیراندازی یک سرباز تایلندی به شهروندان نظامی و غیرنظامی حداقل ۱۲ نفر کشته و حداقل ۱۴ نفر مجروح شده‌اند. این در حالی است که اخبار تأیید نشده از احتمال کشته شدن ۱۷ نفر خبر می‌دهد. طبق اعلام منابع محلی ضارب پیش از عزیمت به مرکز شهر ناخون راتچاسیما که در شمال باتوکوک قرار دارد، چند سرباز را در یک پایگاه نظامی مورد حمله قرار داده و برای ادامه قتل عام‌های خود راهی شهر شده است. به گزارش بی‌بی‌سی، سخنگوی وزارت دفاع تایلند ضمن تأیید کشته شدن ۲ افسر پلیس گفت: این سرباز پس از حمله به فرمانده‌اش اسلحه و مهمات را از پاگان سرقت کرده است و در ادامه به مناطق مختلفی از جمله یک مرکز خرید و همین‌طور یک معبد رفته و شهروندان را مورد هدف تیراندازی قرار داده است. هنوز از وضعیت ضارب خبری در دست نیست و در حالی که برخی منابع از مخفی شدن او در یک مرکز خرید خبر داده‌اند، برخی دیگر از متواری شدن او خبر می‌دهند. ضمن اینکه احتمال داده می‌شود این سرباز تایلندی پیش از ۱۰ نفر را در زیرزمین یک مرکز تجاری به گروگان گرفته باشد. پلیس هویت ضارب را «جاگاریانت تاما» ۳۲ ساله معرفی کرده که پیش از این در حساب‌های کاربری خود در اینستاگرام و فیس‌بوک، پیام‌هایی در زمینه «خسته‌بودن از زندگی» منتشر کرده بود.



مهمترین دلیل طلاق در کشور اعتیاد است

■ سرهنگ اکرم حسین‌زاده رئیس امور رسانه معاونت اجتماعی نیروی انتظامی استان البرز اعتیاد به مواد مخدر نه تنها فرد بلکه خانواده و جامعه را نیز درگیر خود می‌کند. خانواده معتادان، تفاوت چشمگیری با خانواده‌های عادی دارد، به گونه‌ای که مناسبات زوجین، والدین با فرزندان و مناسبات اجتماعی خانواده و نیز کارکردهای مختلف خانواده مختل می‌شود. یکی از مهم‌ترین دلایل طلاق‌های کشور ناشی از اعتیاد و مسائل وابسته به مواد مخدر است و بسیاری از خانواده‌ها تحت تأثیر عوارض شوم

اعتیاد منتقل کرده‌اند. این فرشته مهربان مرا به یک نیکوکار معرفی کرد تا کمک کند و درمان شوم بعد هم از مادر و پدرم را که اعتیادش را ترک کرده بود با هم آشتی داد و برای پدرم کار پیدا کرد. روزهای سختی را گذراندم اما تحت نظریک پدرم به‌خاطر اعتیادش رو به بهبود است.

سرم آورده بود که تا چند روز بین مرگ و زندگی در جدال بودم. چند روز بعد عمو و زن عموم به سراغم آمدند اما از کارکنان بیمارستان خواستم که من را به‌دست آنها ندهند چون می‌دانستم عمومیم مرا می‌کشد. با کمک مددکار بیمارستان فهمیدم پدرم به‌خاطر اعتیادش بازرداشت شده و او را به کمپ ترک

خودروی سفید رنگی مقابلم ایستاد و مرد جوانی از من خواست سوار خودرواش شوم... آنقدر خسته بودم که اندکی بعد از سوار شدن در گرمای داخل خودرو خوابم برد اما وقتی بیدار شدم با سر وضعی آشفته کنار خیابان افتاده بودم. با کمک مردم به بیمارستان منتقل شدم. راننده بی‌وجدان بلایی

ساعت شش غروب هوا خیلی سرد شده بود و گلوله‌های برف داشت همه جا را سفید پوش می‌کرد اولین فکری که به نظرم رسید پیدا کردن مادرم بود برای همین سراغ دایی‌ام رفتم ولی آنها درخانه نبودند. هیچ پولی نداشتیم و چون با عجله بیرون آمده بودم لباس گرم نپوشیده بودم واز شدت سرما داشتم می‌لرزیدم که

ازمن می‌خواست تا کارهای خانه را انجام بدهم مجبور شدم ترک تحصیل کنم. رفتارهای زن عمومیم باعث شد من دیگر نتوانم تحمل کنم و برای همین تصمیم گرفتم از خانه آنها فرار کنم. تازه وارد چهارده سالگی شده بودم ونمی دانستم در بیرون از خانه چه سرنوشتی در انتظارم است.